

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين. السلام والسلام سيدنا و مولانا و نبينا ابى القاسم مصطفى محمد (ص) و على اهل بيت طاهرين، السلام على المهدي. خدمت همه سروران و بزرگان خواهران و برادران عزيز سلام عرض ميکنم.

يه وقتي دريك برنامه تلويزيوني يه مستندي پخش كرده بودند درباره يك فرد و پژوهشگري كه حدود 17 سال ازكشورخودش، مهاجرت كرده بود و رفته بود جنگل هاي آمازون، در آمازون حدود 17 سال تحقيقاتش رو روي انواع پروانه ها گذاشته بود؛ يعنى 17 سال كارميكرد و نمونه برداري در نوع زندگي پروانه ها، تغذيه پروانه ها و انواع پروانه ها... 17 سال تموم زندگيش رو رها كرده بود و رفته بود براي دل خودش، براي علم و عشقي كه داشت.

اگر اشتباه نکنم، در شبکه ورزش در يه برنامه ي ورزشي درباره ي زندگي يه پيرمردى تصاويري پخش مي شد، با او مصاحبه مي کردند. اول نشون ميداد اين آقا در ورزشگاه آزادي شيبور ميزد (از اين بوقهاي بلندي كه تو ورزشگاه ميزنن) بعد جمعيتي با اون فریاد مي زد. شيبور ميزد جمعيتي به نفع تيمشون يا عليه تيم مقابل حرف ميزدند يا به داور چيزي ميفگتن (حالا با ادبيات خودشون) بعد صحبت ميكرد كه شما از كي تا حالا علاقه مند به اين تيم هستيد ميگفت «من از بچگي علاقه مند بودم، الان مثلا 50،60 ساله كارم همينه...» جالبه! ميگه من 50،60 ساله كه اين شيبور رو مي گيرم ميام تيم خودم رو تشويق ميكنم، اين جوونهاي هم كه آمدند رو به اصطلاح رهبري ميكنم. تيم و بازيكنان رو تشويق ميكنم. تيم مقابل رو با داور رو هُووو مي كنيم! پرسيد: حقوق هم ميگيري؟ گفت «حقوق؟ نه. حقوق چي» پرسيد: غذا و اين چي؟ گفت «با بچه ها گاهي يه وقتي يه چيزي ميرسه مي خوريم، يه وقتي هم هيچي» پرسيد: توي اين راه كتنكي چيزي خوردي؟ گفت «الامشاءالله! اينقدر از تيم مقابل كتنك خورديم...» پرسيد: چرا پاش وايستادي؟ گفت «عشق تيم فلان.»

من واقعا وقتي برنامه شو ديدم خيلي ازخودم خجالت كشيدم. گفتم كه عجب ما گاهي ظاهرا به اندازه ي يه علاقه مند به يك تيم فوتبال هم براي امام زمانمون هزينه نمي كنيم!! كتنك نخورديم؛ آدم تو اين راه قرار ميگيره فقط عزته، فقط سلام و صلواته. كتنكش رو هم نمي خوريم. حالا جزو اون مالک اشتر يا اون ابوذر و نميدونم سلمان و اينان نيستيم كه كتنك بخوريم، نه. گمونم در اين باره هيچي نگيم بهتره. يا مثل اون آدمي كه بره 17 سال توي جنگلهای آمازون چه سختيها، چه مشكلات، چه بيماريهاي كه ممكنه شاملش بشه! چه گرفتاريهاي رو به جون بخره، اما عشقش اينه كه درمورد پروانه ها يه كار تحقيقاتي انجام بده.

دو سه روايت براتون بخونم:

یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «بَابِي وَ أُمِّي سَمِي جَدِّي وَ شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ» فرمود «پدر و مادرم فدای کسی که هم نام جَدَم رسول خداست. نامش مُحَمَّد است.» و شَبِيهِ وَ شَبِيهِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ: «شبیهِ منه و شبیه حضرت موسی (علیه السلام)» حالا این که شبیه موسی ست هم خودش معنایی داره دیگه، یعنی مثل موسی (علیه السلام) میاد و برای مومنین رود نیل خروشان رو آرام می‌کنه، با آرامش از میان رود نیل رد میشن و از فرعونها نجات پیدا میکنن، رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ برای اون مومنین رحمته، درسته؟ وَ نَزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ وَهُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ. برای مومنین، شفاء و رحمته و برای فرعونیان غرق شده «و لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» اما برای کافرین و ظالمین خسران ایجاد می‌کنه. فرمود: شبیه موسی بن عمران. برای مومنین نجاته، برای ظالمان و برای وحشی‌هایی که نمونه هاشو دارید میبینید؛ می بینه مجروح‌ه داره ناله می‌کنه که به من کمک کن، اما یه قطره آب بهش نمیدن، حتی اجازه نمیده دیگران کمکش کنن! یه وقت‌هایی ما باور نمی‌کردیم یزید و شمر رو اما حالا می بینیم که هستند یزیدیان و شمریان زمانه ... بعضی‌ها میگفتن امام زمان که ظهورکنه مگه کسی مقابل ایشون می ایسته؟ اما امروز میشه دید که چه آدم‌هایی پیدا میشن. بله! می ایستن، مگه این حاجیهایی که رفتن منا، [اشاره به فاجعه منا در سال پاییز 1394] مگه اینایی که اونجا داشتن لبیک میگفتن به کسی کاری داشتن؟! مگه مُسَلِّح بودند؟! اما شیطان دنبال از بین بردن نورالهییه. فرمود «شبیه موسی بن عمران. بر او نورهایی ست (با لباسهایی از نور)» بعد این تعبیر و دارند: «يَحْزَنُ لِمَوْتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ كَمَنْ مِنْ حَرَى مُؤْمِنَةٍ وَ كَمَنْ مِنْ مُؤْمِنٍ مُتَأَسِّفٍ حَزَانَ حَزِينٍ عِنْدَ فَقْدَانِ الْمَاءِ». «چقدر زنان و مردانی که از فقدان او و از حُزن ندیدن او غمگینند و تأسف می‌خورند!» اینو امام صادق داره میگه ها، خودش هم محزونه و درعین حال میگه «چقدر مومنین و مومنات از غم دوری او محزونند» الْمَعِينِ كَأَنِّي بِهِمْ آيِسٌ مَا كَانُوا قَدْ نُودُوا نِدَاءً يَسْمَعُ مَنْ بَعْدَ كَمَا يَسْمَعُ مَنْ قَرَبَ يَكُونُ رَحْمَةً عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ عَذَابًا عَلَى الْكَافِرِينَ «من اونو میبینم، با اینکه در حالت نا امیدیه هستند مردم اما ندایی میاد که این نداوقتی آمد برای مومنین رحمت و برای کافرین عذابه.» ابن بابویه، 1395 ه.ق، ج 2، ص 371

باز تو یه روایت دیگه ای داریم از امام صادق (علیه السلام) که نشسته بودن رو زمین و با دستان مبارکشون دستشون رو روی زمین میکشیدند و از غیبت حضرت مهدی (عج الله) آه می کشیدند!! بخشی از این روایت رومن عرض میکنم. سدید صیرفی میگه که منو مفضل، ابویصیر... رفتیم خدمت امام صادق (علیه السلام) دیدیم حضرت روی زمین نشسته! و مانند زنی که فرزندش رو از دست داده، داره گریه می‌کنه! حزن و اندوه از چهره و ظاهر و احوالشون معلوم بود، اشک چشماشون رو پر کرده بود و در این حال می فرمودند «سیدی! آقای من! غیبت تو خواب را از من گرفته، بستر را بر من تنگ کرده، راحتی و آسایش قلبم رو از من گرفته! آقای من! غیبت تو مصیبت‌های من رو به اندوه ابدی رسانده! فقدان و از دست دادن یکی پس از دیگری یه جماعت [اشاره به بی دین شدن بعضی مسلمانان در دوران غیبت] از غم فراق تو، اشک در چشمانم خشکیده! اینقدر گریه کردم اشک چشمانم خشک شده!» سدید میگه عرض کردیم: آقا چه مصیبتی؟ چی شده؟! چی شده که اینقدر گریه میکنید؟! چه اتفاقی افتاده؟! حضرت یه آهی کشیدند بعد فرمودند «من امروز در حوادث عالم غیب نگاه کردم و دیدم حوادث اهل بیت رو که درباره مهدی ما آمده، درباره تولد او، درباره

غیبت او، درباره طول عمر او، و امتحان های مؤمنان در دوران غیبت، که بعضی ها دچار شک و تردید میشن، بعضی ها از دینشون بر می گردند! برای این محزونم، هم طول غیبت او، هم امتحان هایی که بعضی مردم تو این امتحان ها...»

خوب فضا رو با روایت اهل بیت آغاز کردیم . برای اینکه اینو بگیم : فکر میکنم تو این عرائضی که گفتم چند موضوع مهم در مورد اینکه چرا مهدویت باید مطرح بشه گفتم، یکی اینکه دشمنان دارن کار میکنن. بزارین به آمار بهتون بگم : بینید سال 2010 از مجموع 31.8 میلیارد فروش جهت سینما، در واقع 31 میلیارد سینما آمریکا فروش داشته که 10 میلیارد دلارش در بازارهای آمریکا و اروپا بوده! یعنی چی؟! یعنی بیش از دو سوم یا بگید 67 درصد، که 21 میلیارد دلار در بازار جهانی بوده یعنی غیر از آمریکا و اروپا! یعنی مخاطبانی که سینمای آمریکا رو مشاهده کردند دو برابر از مخاطبین داخلی آمریکا و حتی اروپاست! حتی سینمای بالیوود که مال هنده در سال 2010 آمده 1013 فیلم تولید کرده بالیوود، و با این حال در سال 2008 فقط دو درصد از بازارهای جهانی رو به سمت خودش جلب کرده، یعنی معادل حدود دو میلیارد دلار تو بازار جهانی فروش داشته... یعنی چی؟؟ یعنی فرهنگ شون در فیلمهای آخرالزمانی... خیلی از این فیلم ها ترویج فرهنگ اینهاست! موضوع کاملاً جدی است!

اولین دلیل که چرا ما باید بررسی بکنیم اینه که در روایات ما و در روایات اهل سنت آمده که « کسی که امام زمان خودش رو شناسه، مرگش مرگ جاهلیته! » اینکه میگن مرگش جاهلیه معنایش اینه که زندگی او زندگی جاهلیه. خوب دقت کنید ببینید؛ مرگ نتیجه زندگیست، شیعه و اهل سنت میگن که هرکس که امام زمان خودش رو شناسه مرگ اون مرگ جاهلیه. اهل سنت هم موارد مختلف دارن، مثلاً میگن : **مَنْ مَاتَ وَ لَا اِمَامَ زَمَانِهِ لَه مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً!** یا دارن که : **مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَكُنْ فِيهِ عُنُقُهُ عَهْدًا لِاِمَامٍ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.** شبیه این روایات فراوان داریم. هرکس با امام زمانش مرتبط نباشه و امام زمانش رو شناسه به مرگ جاهلی ست! از اینا فراوان داریم. در دوران غیبت هم گفتند شما از خدا اینو بخواید که « خدایا خودت رو به من بشناسون که من اگه تو رو شناسم پیغمبر تو رو نمی شناسم، خدایا پیغمبرت رو به من بشناسون که من اگه پیغمبرت رو شناسم امامت رو نمی شناسم و خدایا امامت رو به من بشناسون که اگر شناسم گمراه از دنیا میرم! » خب این چه معنایی داره؟

ببینید در روایات ما آمده « همانطور که زندگی می کنید می میرید... » بزارید دو دو تا چهار تا کنیم. انسان بعد از قرنهای تلاش و کوشش و تجربه های مختلف توی رشته های مختلف علمی هر چی زحمت کشیده بازم هزاران سوال و پرسش داره... یعنی تو هر رشته علمی که بره جلو، باز هم هزاران راه نارفته است و هزاران ابهام و سوال جلوشه. تازه اینا فقط در مورد فیزیک جهان هستیه؛ در مورد محسوساته نه معقولات در مورد متافیزیک. لذا عقل انسان، عقل سالم انسان می فهمه که بسیاری از چیزها رو نمیدونه، ابوعلی سینا دانشمند نامی که همه جهان و علم مدیون او نیز هست، خود غربی ها هم به عنوان سابقه ی علم حتما نام ابوعلی سینا

رو میارن - با همه اینکه میخوان دستاوردهای اسلامی رو انکار کنند ولی طبیعتا اونو نمیتونن حذفش کنن - ابوعلی سینا میگه که « من با عقل خودم می فهمم که معاد و قیامت هست » عقل من اینو درک میکنه. حالا من توضیح میدم: مثلا، یه نفر که ده نفر آدم رو از بین برده اونو شما می برید اعدامش می کنید یکبار میمیره، 9 بار دیگه هنوز بدهکاره، تازه عمر این آدمها که از بین رفته چی؟ کی میخواد جبران کنه؟! پس دنیا گنجایش جبران برای بسیاری از جرم ها رو نداره، در خوبی ها هم همینطوره، کسی که خدمت به بشریت کرده - حالا برای خدا و غیر خداش رو کاری نداریم - کسی که خدمت برای بشریت کرده تو دنیا چه پاداشی بهش بدیم که جبران بشه؟ آگه این کار رو برای خدا انجام داده باشه که قطعاً همه ی عالم رو هم بهش بدهند باز هم جواب نمیده، پس بنابراین باید یه عالم دیگه ای باشه، ابوعلی سینا هم میگه بینید من با عقل خودم میفهمم که قیامت و معاد هست، و همچنین عقل من میفهمه که جزئیات این معاد و قیامت رو نمی فهمه، من که نمردم و نرفتم که... شنیدید گاهی بعضیا میخوان طعنه بزنن به مذهبی ها، میگن: حالا کی رفته کی دیده... خب راست میگن، کسی که نرفته، کسی که ندیده، حق نداره در رابطه با جهنم که هست یا نیست حرف بزنه، یا درباره ی جزئیاتش، اما کلیاتش رو که میتونه بگه؛ قیامت هست.

خب آقای ابوعلی سینا! درباره جزئیاتش چیکار کنیم حالا؟ ابوعلی سینا میگه « من درباره ویژگی های قیامت، ویژگی های معاد، میرم سراغ کسی که صادق و صدقه، صادق یعنی راستگوست و مصدقه یعنی تصدیق شده است؛ تایید شده ی خدائیه، یعنی پیامبران، یعنی اهل بیت، میگه اونا رفتن، قرآن میفرماید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اولین آیه سوره اسرا رو با هم بخونیم: **سُبْحٰنَ الَّذِیْ اَسْرٰی بِعَبْدِهٖ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْاَقْصٰی**، یه نمونه شب معراج بود؛ پیامبر بهشت و جهنم رو دیدند. آقا امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمود « من راههای آسمان را از راه های زمین بهتر بدم » نه اینکه راههای زمین رو بلد نیستم، بلکه می خوان از علم و آگاهی دقیقشون از مسیر پس از مرگ خبر بدن... خب این مسیری که آمدیم، مسیری که میخوایم بریم چه جوری باید بریم؟ کی باید به مابگه؟ یکی که رفته، لذا علما اخلاق، علماء دین شناس، مراجع ما، آگه چیزی میگن براساس چی میگن؟ بر اساس سخنان بزرگوارانی که آنها رفتند و برگشتند، اهل بیت (علیهم السلام) پیامبران... این مسیر مثل کف دست براشون روشنه. پس عقل بشر میدونه که خیلی از امور رو نمیدونه! خیلی خب، پس چیکار کنیم؟ آقای ابوعلی سینا، شما میگی نیاز به پیامبر داریم، خدا برای چی ما رو آفریده؟ مسیر چیه؟ ما استدلالهای خودمونو میدونیم، تجربه هامون رو می دونیم، اصلاً به قول بزرگی: فرض کنید انسان قراره 50، 60 سال تو این دنیا زندگی کنه، شما بگو 100 سال، قیامتی هم در کار نیست، فرض کنیم، آقا من صد سال میخوام خوب زندگی کنم، شما ببینید این همه رشد بشر رفته بالا، قرصهای اعصاب هم به همان مقدار بلکه چندین برابر بیشتر شده!! پس آدم خیلی ابهامات تو همین دنیا باخودش داره، پس حتی آگه قیامتی در کار نباشه که هست، صدسال هم آگه بخواد تو این دنیا زندگی کنه نیاز به راهنما داره، نیاز به پیامبر داره. خب پیامبر باید چطور باشه؟

قطعاً باید این پیامبر، حرف خدا رو یعنی اون نقشه راه رو برای بشر کشیده اون رو درست بگیره، معصومانه بگیره، قاطی پاطی بگیره، نصفه و نیمه بگیره (نصفه ش رو فراموش کنه نصفش رو فراموش نکنه) بلکه همه رو کامل بگیره، بعد درست حفظ کنه و درست منتقل کنه. این میشه معصوم. بعد چی؟ آیا همین کافیه؟ نه، پیامبر باید یه الگوی عملی برای مردم باشه، که مردم بدونن راه اینه. کوهنورد که از کوه میره بالا، پشت سرش افرادی که میان بهشون میگه چی؟ میگه قشنگ جا پای من بذارید. قشنگ اینا رو می بره بالا. پس پیامبر باید آسوه باشه، الگو باشه، باید حرفش، سکوتش برای مردم الگو باشه. خب حالا پیامبر خدا هم عمرش محدوده، بعد چیکار کنیم؟ اهل سنت میگن «تمام شد، بعدا باقی افراد بیان براساس قرآن عمل کنند پس فقط کتاب الله.» اگر صرف کتاب کافی بود که از همون اول هم پیغمبر نمی خواستیم، اگه صرف قرآن کافی بود از اون اول هم پیغمبر هم لازم نبود، قرآن یه جایی پیدا میشد. میگفتند آقا این کتاب دستور العمله، انجام بدید. پیغمبر برای اینه که به مردم تفسیر کنه که کجا درسته کجا غلطه، پیغمبر برای اینه که به مردم بگه بیا بریم.

خب حالا که پیغمبر از دنیا رفت چیکار کنیم؟ بذارید جوابش رو از قول هانری کورین - اون اندیشمند فرانسوی - و خیلی های دیگه بدیم که «شعبه دوازده امامی داریم.» او چی میگه؟ میگه بعد از پیغمبر باید افرادی باشند مثل خود پیغمبر، بله اونا پیغمبر نیستن، اونا دریافت وحی ندارن، اما باید کسانی باشند که بتوانند این قرآن رو درست تفسیر کنند و الگوی عملی برای افراد باشند. و اینا از قرآن جدا نمیشن "لَنْ يَفْتَرِقَا" از هم جدا نمیشن تا روز قیامت، ببینید این میشه عترت. جالبه! اهل سنت روایات فراوانی دارند که حضرت محمد (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمودند "مِنْ عِترَتِي" از عترت من...

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: در دوران غیبت این دعا رو زیاد بخونید: «خدایا معرفت و شناخت خودت رو به من بده که اگه من معرفت به خدا داشته باشیم می فهمم خدا بنده هاش رو رها نکرده، پس پیغمبر براش قرارداد» اگه بنده هاش رو رها کرده باشه میشه عبس (بیهوده)! میشه بی فایده و بی نتیجه! خدایی که اینقدر دقیق امور رو قرارداد که توی چرخش افلاک، چرخش ستارگان، اگر چند درجه جابجایی بشه همه چی بهم میریزه، نمیشه این همه موجود رو خلق کرده باشه بی هدف و یا بی حساب کتاب!! امکان نداره. خدا رو بشناس، اون وقت میفهمی که باید پیغمبر بفرسته، تا بگه واسه چی خلقت کرده و راه چیه؟ چاه چیه؟ «خدایا! پیغمبرت رو به من بشناسون که اگه من پیغمبرت رو بشناختم میفهمم پیغمبر جانشینانی میخواد مثل خودش» اون موقع دیگه نمی ریم در خونه هرکسی رو بزیم! اون موقع نمی گیم بیاید انتخابات - البته انتخابات در طول تاریخ، برای جانشین پیغمبر انجام نشد خود اهل سنت هم میدونن انتخاباتی در کار نبود - یه چهار نفری جمع شدند به زور و با تحمیل افرادی برعالم اسلام، وگرنه انتخاباتی در کار نبود که. خب «خدایا امامت رو به من بشناسون که اگر من امامت رو نشناسم گمراه میشم» نمی فهمم راه چیه چاه چیه! این اولین مطلب، که چرا در مورد امام زمان کارکنیم؟ به خاطر اینکه اگر شناخت امام زمان رو نداشته باشیم راه و چاه رو نمیدونیم.

خوب گوش بدید "بعضیا میگن آقا این بحث غدیر و شیعه و سنی اینا دیگه گذشته، ولش کنید این یه نگاهه، یه نگاه دیگه هم میگه نه، 24 ساعته لعن کنید، فحش بدید. هر دو غلطه، جواب چیه؟ جواب اینه: آقا جون! ما در دوران پیامبر نبودیم، حادثه تاریخی اتفاق افتاد. ما فقط حادثه تاریخی نگاه نمی کنیم، اصلا کاری نداریم به اینکه چرا این اتفاق افتاد، الان ما در قرنی که زندگی میکنیم من میخوام ببینم، روشی که منو هدایت میکنه و به بهشت میرسونه چیه؟ یا نه، روشی که در دنیا برای من آسایش و آرامش ایجاد میکنه چیه؟ و برای دفترچه ای که راهنما نداره از کی کمک بگیرم؟ شیعه میگه از کسی کمک بگیر که از بچه گی خانه پیغمبر بود و تا آخر عمر با پیغمبر بود وقتی هم که پیغمبر میخواست از دنیا بره سر روی زانوی اون گذاشت و از دنیا رفت و همه سیره زندگی و تمام مراحل زندگی پیامبر رو میدونه، منطق و عقل هم اینو میگه دیگه، پس یه بحث صرفا تاریخی نیست، بلکه برای امروز من رهگشاست؛ من الان میخوام حرف بزوم چه جوری حرف بزوم؟ میخوام کشور داری کنم، روی حوزه سیاسی. چه جوری کشورداری داشته باشم؟ آیا مثل خلفای بنی امیه و بنی عباس و خلفای آل سعود عمل کنم؟ اون مدل؟ که بابوش و اوباما و دیگران جام فلان بنوشن در ساحت مسجد، در ماشین آخرین سیستم، بعد برن حج، سنگ به شیطان بزنند!! اینم یه مدل اسلامه دیگه!

خلفای بنی امیه و بنی عباس هم همین کار رو می کردن، روز چهارشنبه، نماز جمعه هم می خونند! از طرفی چهارشنبه خطبه نماز جمعه بخونن و از اون طرف دور از ساحت مسجد، با مستی و ایستاده به امامت نماز جماعت! بعد از اینکه نماز صبحش رو 4 رکعت خونند، برگرده رو به مردم بگه من حالم خوشه میخوان 8 رکعت دیگه هم بخونم براتون. این مدل اسلامه؟ یا مدل آقا امیرالمومنین "وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا" سه روز روزه میگیرن! روز اول غذاشون رو میدن به مسکین، روز دوم یتیمی میاد، همه غذاشونو میدن، حالا روز سوم! و در اوج ضعف و گرسنگی! حضرت علی (علیه السلام) حضرت زهرا (سلام الله علیها) حضرت امام حسن (علیه السلام) حضرت امام حسین (علیه السلام) و حضرت زینب (سلام الله علیها). تو اون اوج گرسنگی اسیر میاد، اسیر کسی است که تا دیروز در مقابل لشکر اسلام ایستاده و می جنگیده... پیغمبر رو هم قبول نداره! علی رو هم قبول نداره! حضرت فاطمه رو قبول نداره! اسلام هم قبول نداره، اسیرش کردند، حالا خیلی مهمه، روز سوم در اوج ضعف! غذات رو بدی به اسیر، اینو خیلی ها بهش توجه نکردن! اینا اهل بیت هستند... آیا برای کسی که از امام زمان سخن میگه، اصلا نه، به عنوان شناخت یه انسان ارزشمند... همانطوری که درباره فلان فوتبالیست و زندگی و اینکه کدوم باشگاه بوده؟ چند تا گل زده؟ چند تا بازی ملی داشته؟ این اطلاعات رو داریم، بعد در مورد زندگی به همچین نازنین هایی اصلا ندونیم! هیچ اطلاع نداشته باشیم! بحث تاریخی نیست، حرف اینه که من چه مدلی زندگی کنم؟ مدل آقا امیرالمومنین؟ که وقتی ناجوانمردانه میان در محراب شمشیر میزنن، به امام حسن (علیه السلام) می فرماید «اگه من زنده موندم من میدانم و ابن ملجم که میخواست من رو از بین بیره - که شاید معنانش این بود که میبخشدش حالا نمیدونم - اگر هم از دنیا رفتیم "صَرْبَةً بِصَرْبَةٍ" یه ضربه زده یه ضربه بزنین، مُرد مُرد، نُرد هم تمام، خلاص، هیچ.

قصاص همین‌ه. این امیرالمومنین ماست. فرمود در قضاوتی که از یک فرد یهودی (ظاهراً زره یا سپر امیرالمومنین رو آگه اشتباه نکنم وقتی دزدید گفت مال منه) بردنشون پیش قاضی. قاضی تا فهمید امیرالمؤمنیه عکس العمل نشون داد. حضرت فرمودند: آرام باش! تو قاضی هستی تو باید عدالت داشته باشی. نشستند. به این آقا گفت حرفت چیه؟ گفت شمشیر تو دستمه مال خودمه یا زره ش. به امیرالمومنین گفت شماچی میگین؟ گفت خوب تو دست ایشونه دیگه. قاضی گفت آقا میدونم مال شماست. حضرت فرمود «شما بر اساس بیته (دلیل و شاهد) انجام بده.» مال، در دست ایشونه، دیگری باید بره شاهد بیاره و اثبات کنه که مال اوئه. بالاخره قاضی حکم داد که زره مال این آقای یهودیه. جلسه ی دادگاه تمام شده یا نه؟ یهودی گفت آقا ما تو قصه ها شنیده بودیم در مورد موسی و ابراهیم، ما از پیامبران گذشته قصه هایی شنیده بودیم اما این کار، کار فراتر از اینهاست؛ زره رو برنگردوند - به یه معنایی - بلکه بالاتر از این زره رو برگردوند. زره و داد و حل شد با امیرالمومنین و شد یکی از شیعیان یکی از یاران اهل بیت (علیهم السلام).

این معرفت، زندگی ما رو تغییر میده. کدوم مدل باید باشه؟! از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت میهمان کربلا، این هم یه مدله که بعدش به آقا اباعبدالله روز عاشورا گفتند: «نماز نخون نمازت قبول نیست» الان داریم می بینیم: امروز حاجی ما داره اعمال حج انجام میده، برمیگردن میگن «تو مشرکی، اصلاً قبول نیست» بعد وقتی داره او - در فاجعه منا - داره از بین میره میگه هزار از بین بره مهم نیست! کاری هم نداره شیعه اند یا سنی، همه رو یه دست میبینن! این اسلام همون اسلامیه که امام میگه اسلام آمریکایی. معرفت به امام راه رو به آدم یاد میده؛ کدوم اسلام؟ کدوم مدل؟ اسلامی که میگه «آقا تو چیکار به این ور و اونور داری؟ بشین تو مسجد نمازت رو بخون» اینم یه مدل اسلامه! یه مدل عشق حضرت مهدی (عج الله) یا اسلامی هم هست که میگه «تو نمیتوانی نسبت به همسایه ات بی تفاوت باشی» منظور از همسایه، همسایه در و خیابان محل مون فقط نیست ها! بلکه فرق نمیکنه افغانی باشه، لبنانی باشه، عراقی باشه، پاکستانی باشه، شیعه باشه، سنی باشه، یهودی باشه، مسیحی باشه... ظلم، ظلمه، به هر چی میخواد باشه.

پس اول: دلیل لزوم معرفت: کسی که امامشو شناسه و بمیره مسیرش در مسیر مرگ جاهلیست (منظور شناخت شناسنامه ای نیست ها) این تعبیر رو من از حضرت آقا نقل میکنم که فرمودند «آگه مهدویت نباشه، معنانش اینه که تمام تلاش پیامبران و تمام تلاش و دعوتهای اونها همه بی فایده است، چون در واقع او تحقق همه وعده هاست ...»

مطلب دوم: ببینید ما در مقابل امام مون یه سری وظایفی داریم و بایستی کارهایی رو انجام بدیم، شنیدید خیلی ها میگن در مورد امام حسین (علیه السلام) که «یا لیتنا کُنَّا مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِيماً» شنیدید دیگه - حالا قبلاً زیاد میگفتن الان نمیدونم - قبلیها خیلیها این دعا رو میکردن و می گفتند ای کاش با شما می بودیم. یه آقایی نقل می کرد خیلی جالبه، میگفت: من خیلی این دعا رو زمزمه می کردم و میگفتم "من آگه روز عاشورا می بودم از امام حسین دفاع میکردم" میگفت شبی در خواب دیدم که روز عاشورا است! مثل

صحنه فیلم مختار صحنه ای بهش نشون دادن که آقا دارن نماز میخونن یه عده سپر میشن... میگه در اون موقعیت ، در عالم خواب، دیدم امام حسین داشت نماز میخوند، طرف مقابل هم عمرسعد و شمر و اینا بودند! اینا تیراندازی می کردند به سمت ما، حالا این آقای که خیلی مدعی بود میگفت تیر اول اومد من جا خالی دادم! خورد به امام! تیر دوم اومد جا خالی دادم، خورد به امام! از خواب پریدم! دیدم نه بابا ما ادعا داریم، جا خالی میدیم! حالا یه چیز خوش مزه تر، این در خواب بود در بیداری بگم (آقای قرآتی از یه آقای می گفت که) من درسال 66 نزدیکی های آقای جوادی آملی بودم، میگفت اینا که ضربه میزدند و سنگ میزدند همه چی پرت میکردند. امروز روزیه که من باید خودمو نشون بدم، من امروز خودم سپر آقای جوادی آملی میشم. آگه خواستند سنگی چیزی بزنن من می ایستم جلوش. میگفت آقا چشمتون روز بد نبینه، سنگ اول که اومد ما جا خالی دادیم! بعد دیدیم نه، خیلی حرفه! ما در قبال امام وظیفه ای داریم. نگید امروز روز اوله و ما اومدیم ضرورت در مباحث مهدویت، اونوقت همین ابتدای کار شما اومدی میگی باید کشته بشی! نه بابا، این حرفها رو نمیخوام بزنم، در همین قدم اول.

اولین مطلب اینه که در کنار اون آرزوی با امام بودن، امروز ببینیم وظیفه مون نسبت به امام چیه؟ خب آگه بخوایم بدونیم وظیفه مون نسبت به امام چیه باید چیکار کنیم؟ باید مباحث مهدویت رو بشناسیم، در مورد مهدویت صحبت کنیم و از اساتیدی که خدمتتون می رسیم استفاده کنیم، همه مون استفاده کنیم و ببینیم وظیفه مون چیه؟ این در روایات آمده که کسی که منتظر امام زمان باشه، روایات مختلفی داریم اجر شهید بدر و احد رو داره. تو بعضی روایات داره اجر هزار شهید جنگ بدر رو داره، خب جنگ بدر خیلی مهمه. اون موقع تو اون جنگ بدر و احد، جنگ بدر غربت اسلام بود! تمام تبلیغات علیه پیغمبر تنها بود، کسی رو نداشت. تمام یاران در جنگ بدر 313 نفر بودند. از پیرمرد و جوان و زن و مرد، تمام هجمه ها علیه پیغمبره، دشمن کاملاً مجهز، جنگ رو هم شروع کرده، تو اون جنگ کسی کنار پیغمبر و ایسته، که از آینده اسلام هم هیچی هم معلوم نیست. برای مردم عادی که معلوم نبود چی میشه در آینده. شمشیر هست، نیزه هست، توهین هست، تبعید هست، زن و بچه و جدا شدن هست، همه مشکلات، بعد کنار پیغمبر بایسته و شهید بشه، چقدر مهمه چقدر بصیرت میخواد... به قول فرمایش آقا چقدر مقاومت و استقامت میخواد؟ درسته؟ حالا اجر این شهید بلکه هزار تا از این شهدا مساوی است با انتظار امام زمان (عج الله)!

آیا واقعا اهل بیت تعارف کردند؟! یا معنای انتظار خیلی بالاست... باید فهمید، تعارف نکردند که: « یک نفریره تو اون خط مقدم جنگ بدر یا جنگ احد که خیلی ها رفتن دنبال غنیمت. پیغمبر رو رها نکنه و در شهید هم بشه، بعد بگیم آقا تو ضربدر 1000 ، مساوی با یه آدمی که تو خونه اش نشسته میگه یابن الحسن کجایی. ولش کن ما چه کار به مردم منطقه داریم، ما چه کار داریم به دولت و ملت و ولش کن، یابن الحسن کجایی کی میشود بیایی » آقا دارن میکشن بچه های یمن رو! « به من چه. یابن الحسن کجایی » آقا رفیق بغل دستیت کمک میخواد « به من چه؟ » دختر فلانی میخواد ازدواج کنه، جهیزیه باید کمک کنی « ولش کن بابا یابن الحسن کجایی » البته اشتباه نشه ها. مثل بعضی ها که در مورد حج خیلی نا جوانمردانه حرف زدند اشتباه نکنیم ها!

معناش این نیست که هر کس میگه یابن الحسن کجایی، به فقرا و محرومین توجهی نداره ها... من توهمین حوادث قربانیان حج [اشاره به حوادث مکه برای حاجیان در پاییز سال 1394] بنده چندین شهر رفتم، قم و یزد، حالا هم خدمت شما در مشهد، مثلا در قم یه بزرگواری - در بین همین حاجیا - از دنیا رفته بود به نام حاج آقا فهیمی، از خیرین قم بوده، چندین یتیم رو تحت پوشش داشته! شنیدم توهمین مشهد - در حادثه منا - یه کسی از دنیا رفته به نام حاج آقای حاجتمند که در حاشیه مشهد کلی فعال بوده، کلی کار میکرده، خدمت میکرده، بچه های بی بضاعت حاشیه شهر اونو به عنوان یه پدر در کنار خودشون احساس می کردند، از این نمونه ها هم وجود داشته و داره، یزد هم همینطور... بی انصافی ست اگه در حق این افراد کوتاهی کنیم. بله، معنایی که میگی یابن الحسن اینطور نیست که هرکی میگه یابن الحسن کجایی بی تفاوت به عالمه، اصلاح حرف غلطیه، کی گفته این حرفو. این حرف نیست اما ببین، توجه! توجه! این نکته مهمه اگر ما بخوایم در شمار منتظران باشیم و برای ظهور امام زمان فعالیت کنیم باید چیکار کنیم؟ باید امام رو بشناسیم.

خب موضوع بعدی. ببینید هر مسئله مهمی همیشه آسیب هایی داره، همیشه مدعیان داره. همیشه آدمیانی پیدا میشن یا میگن ما پسر امام زمانیم یا میگن ما همسر امام زمانیم یا میگن ما وصی امام زمانیم! شیطونه دیگه... **إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَكُوفُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ** » شیاطین، سخت به دوستان و پیروان خود وسوسه می کنند... « (انعام / 121) یک روایت رو با اون روایت قاطی میکنن، یه آیه رو غلط معنا میکنن، مغالطه میکنند، ماهم که آشنا نیستیم نسبت به ادعاهای مختلف اونا! مدعیان فراوانی که وجود دارند، کسانی که وقت برای ظهور تعیین میکنن، آدمهایی که هر روز میگن فلان روز، روز ظهوره! یادتونه چند سال پیش 2012 میگفتند عالم به هم میریزه و از این حرفهایی که خارجی داخلی نداره... بالاخره یه عده آدمهایی هستند که یا بیکارند! یا نه، پشت سرشون دستهایی ست که خراب کنند دین ها و اعتقادات رو! این ها امام عصر (عج الله) رو امام مهربانی ها رو امامی که در روایت داریم از خود شما به شما مهربانتره رو، امامی که آغازگر جنگ نیست، جنگ رو دیگران بر او تحمیل میکنند رو، امامی که جنگش بایه عده ای مثل این وهابی ها ی خون آشام است رو، این امام بزرگوار رو العیاذ بالله نامهربان معرفی می کنند. حضرت قرار نیست با همه بجنگند، و یا با هر کس که مسلمان نیست بجنگه... خیلیها هستند مسلمان نیستند که اینها بعد ایمان می آورند، خیلی از اهل سنت به امام ملحق میشوند، نمیدونستند راست و دروغ چیه، اما اون موقع میفهمند. متأسفانه در ذهن بعضی ها حتی تو شهرهای مذهبی حتی در قم و مشهد داریم که طرف وقتی میگی امام زمان، « میگه امام زمان ظهور نکنه! » میترسه، فکر میکنه "اگه امام زمان بیاد همه دنیا بهم میریزه، امام زمان همه رو از بین میبره" اما نیست اینطوری، فهم اینها و شناخت اینها، معرفت اینها مهمه و ضروری...

نکته دیگه ای که سریع بگم، اینه که معرفت به امام یه آثاری هم داره. مثلا وقتی بدانیم امام ناظر و حاضره، وقتی بدانیم اعمال ما رو می بینه، اون موقع رفتار ما فرق میکنه. مثل این مغازها که می نویسن "مجهّز به دوربین مداربسته" ثمره اش چیه؟ ثمره اش اینه که اگه قبلا بهم ریخته بودی اما الان یه مقداری با کلاس میشی، وقتی اطمینان داشته باشی که واقعا ما رو داره مبینه و اطمینان

داشته باشی که صدای تو رو هم می شنوه، رفتار و کارهاات خیلی فرق میکنه! و وقتی اطمینان پیدا کنی که او فکر تو رو هم میفهمه، اون موقع قضیه خیلی فرق میکنه!! البته نمیخواه مچ گیری کنه ها، اشتباه نکنید ها، خدایی که همه چیزها رو می بینه برای چی دائما انسان رو داره مدد میکنه، باید گردش خون بچرخه، باید تنفس بچرخه، مدیریت داره میکنه... **طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِالطَّبِّ** (طیبی که خودش کفش رو دستش گرفته و به سراغ مردم، در خونه هاشون میره) وقتی آقا ابی عبدالله علی اصغرش رو شهید کردند این رو فرمودند **هُوَ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِي أَنَّهُ بَعِيْنُ اللَّهِ**؛ خدایا همین که میبینم تو شاهد این ماجرای به من آرامش میدی، تو داری میبینی تو شاهدی تو ناظری. اینکه امام (ره) یا حضرت آقا تاکید میکنن یا اینکه بزرگان آیه الله بهجت (ره)، آیه الله جوادی آملی حفصه الله، این بزرگان تاکید میکنند بر ارتباط با خدا، ارتباط معنوی به این معناست، هم به آدم آرامش میدی، هم آدم رو به قاعده میاره، خیلی این اضطراب ها و این بربر با این و اون حرف زدن ها، ناز اونو بکش و فکر کن مشکل ما با مذاکره حل میشه و نمیخوام خیلی سیاسی حرف بزنم، خیلی از اینها به خاطر اینه که آدم اعتماد اصلیش (به خدا) گاهی وقتها شل میشه... بابا ما هیچی نداشتیم انقلاب کردیم، پیروزشدیم، بابا ما هیچی نداشتیم 8 سال همه عالم با ما جنگیدن هیچ غلطی نتونستن بکنن اما الان همه چی داریم... هیچی نداشتیم بزرگان ما میدونن واقعا هیچی نداشتیم ها. چرا آدم یادش بره که خدایی داره؟! مگه نگفته از تو حرکت از من برکت؟! به قول یه بنده خدایی میگفت وقتی خدا رو آدم یادش بره مجبوره هی دنبال کدخدا بگرده.

نکته بعدی: مثال اون پروانه ها رو میگم خدمت تون؛ خیلی کارها توعرصه مهدویت مونده انجام بشه، توحوزه دینی، توحوزه علمی، حتی بحثهای بین رشته ای... رشته های اجتماعی، رشته جامعه شناسی، رشته روانشناسی، خیلی از رشته ها هست که کار داره، نیاز به بحث داره نیاز به گفتگو داره و اینجاها ما جاهایست که نیاز به همت بالا و تلاش داره، کار در این مدل جلسات رو (بطور تخصصی و مستمر) جدی بگیرید.

نکته بعدی این هستش که: خیلیها اعتقاد به مهدویت دارن اما این اعتقاد باید چی بشه؟ باید عمق پیدا کنه، سطحی نگری نباشه، اینم نیاز به دوره های مهدویت داره، نیاز به این داره که خود شماها انشاء الله مریبان این تفکر بشید، خود شما مدافعین این تفکر باشید، مثلا همین جلسه امروز جمعه رو توخونه هاتون که رفتین به بچه ها به برادر و خواهراتون به دوستاتون، واقعا این رو منتقل کنید، بابا امام زمان چهره خشن برای مومنین نیست، برای مستضعفین نیست، برای من و شما نیست، اما از اون طرف امام زمان هم یه انسان سست و یه انسان بی اقتدار نیست که "شمشیر کجست راست کند قامت دین را" هزاران مالک اشتر نمی از قدرت بازوی اوست، به وقتش ان شالله که ظهورکنن ان شالله من و شما به دعای شما و خداوند به ما توفیق بده. زمان جنگ یه گوشه ایش رو دیدید - نمی خوام مقایسه کنم - اما دیدید اقتدار ایمان رو، دیدید اقتدار یکی از شاگردان مکتب امام، یکی از شاگردان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) رو، اقتدار حضرت آقا رو دارید می بینید؛ موقعی که حرف زدند عربستان رفتارش عوض شد [اشاره به تذکر رهبری برای تحویل اجساد زائرین از دست رفته در حادثه منا و برخورد مناسب با تمام زائرین ایرانی] یک کلام عرض کرد،

اونها حساب کار دست شون اومد و تغییر موضع دادند. ببینید تو کار مهدویت به تدبیر حضرت آقا، ایشون سال 80 تاکید فرمودند که « باید در این حوزه مهدویت، کار عالمانه و با دقت انجام بشه » نباید کار عامیانه و جاهلانه انجام بشه، فلانی خواب دید فلان چنان دید... نمیخوام بگم همه ی خوابها، یا مثلا میگه من پسر خاله امام زمانم، من پسر خاله ی همسر امام زمانم و اینا چیزهای جاهلیته...

ببینید مهدویت نقطه اشتراک تمام ادیان، همه ادیان معتقد به موعود و منجی اند، همه ادیان، همه معتقدند که مردی خواهد آمد با تمنای مردم، و عالم رو از سختی ها نجات میده، این نقطه اشتراکه، در این نقطه اشتراک میشه خیلی از حرف ها رو زد، میشه حرفهای مشترک رو به نتیجه رسوند... اینو جدی بگیریم! نقطه وحدت شیعه و سنی بر خلاف مسیری که وهابیت و اربابان اونها پیش میرن (برای اختلاف بین شیعه و سنی) حتی در مباحث مهدوی یه مسائلی هست که مورد اتفاق شیعه و سنی ست: شیعه و سنی معتقدند مهدی (عج الله) هم نام پیامبره. از فرزندان حضرت زهرا (سلام الله علیها) ست، از عترت پیغمبره، میاد عالم رو پر از عدل و داد میکنه، مهربانه، دین رو احیاء میکنه، با آمدن او عالم رنگ شادی می گیره، این نقطه اتحاد شیعه و سنی است.

دربحث آینده پژوهی بحث بسیار مهمی ست: بحثهای جهانی که مطرح میکنند و ما متاسفانه کم کار کردیم ما یه آینده ای کاملاً روشن برامون آمده، ضمانت اجرایی هم داره، یعنی این آرمان شهرهایی که غربی ها و دیگران گفتند اندیشمندان گفتند اینها ضمانت اجرایی نداره یه تخیلی طرف داشته! اما ما وقتی میگیم برای اون جامعه کسی ست که مانند افراد طبقه پایین جامعه زندگی میکنه، ما عقبه ی تاریخی داریم؛ امیرالمومنین داریم که این کار رو انجام میداده، شاگردان او رو در تاریخ داریم، بسیاری از فقها و امام خمینی ها رو داریم که اینگونه زندگی میکردند، ما ضمانت اجرایی داریم، نه اینکه فقط بگیم میشه نه، شده مدلس، مدل با محرومین بودن، مدل برای گرسنگان، حتی غیرمسلمان، شب نخوابیدن و **وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا** شده آقا داشتیم، مدل عدالتی که حتی بر حاکم مسلمین مانند یه فرد عادی برخورد بشه داشتیم، آقا امیرالمومنین با یه فرد یهودی رو که مثال زدم براتون؛ گفت "تو حتی تو نگاه کردن باید عادلانه نگاه کنی" همینطور در کشور ما، خیلی از این آقایون که تو مسئولیت های مختلفند در اداره جات ها مثل من و شمان دیگه. اگر آدم خوبی باشن، مومن باشن، به مردم خدمت میکنن و اگر نباشند باعث نا رضایتی مردم میشن... اگه قانون گذار، قانون گذار خوبی باشه قانون خوبی میداره، اگه قانون گذاره بدی باشه قانون بدی میزاره. ما اگه چشم مون رو باز نکنیم، رای درست ندیم پیامدهای خودشو داره، خیلی روشنه. توجیه نمیخوایم کنیم اشتباهات رو.

نمی خوایم مقایسه کنیم با اهل بیت، هیچ کس با اهل بیت قابل مقایسه نیست. اما به تعبیر آقای جواد یاملی افرادی بودند که نزدیک اهل بیت شدند، که میتونیم به اونها نگاه کنیم، تو عصر ما نفس میکشیدند. ما اگر از یاران امام زمان سخن میگیم، با یه

آدمهایی در زمان جنگ نفس میکشیدیم... نه اینکه بعد از 8 سال دفاع مقدس جلو بودند نه، اونا همه تو عصر ما نفس می کشیدند عکس شون تو کوچه مونه... خاطراتشون از زبان پدر و مادر و خواهر و امثالشون داریم میشنویم، کتاباشون رو می بینیم کم و بیش. متوجه اید دیگه؟ پس شدنیه.

بینید آقا در یکی از دیدارها روی چند مطلب تصریح کردند از جمله یک زبان هنرمندانه. فرمودند « هنر بزرگ اینه که بتوانید این مقوله مهدویت را با زبان هنرمندانه و اثر گذار به ذهن مخاطبان جوان و آگاه و دانا منتقل کنیم، تا این جزء وجودشان بشود، آن وقت تحول عظیمی در زندگی انسانها به وجود خواهد آمد. » ممکنه یه نفر بیاد یه بحث خشک علمی رو بررسی کنه خیلی خب. اما این تمام کار نیست. این باید تو ذهن شما بیاد که طرف اومد صحبت کرد و گفت حضرت مهربانه. من تو فضای مهربانی امام چه چیزهایی رو میتونم طراحی کنم؟ من چه شعری رو میتونم بگم درمورد حضرت؟ درسته؟ این زبان هنرمندانه همینه دیگه. محبت عالمانه، رهبری می فرمودند « اگر شما بتوانید عشق و محبت و سوز و گدازی که مردم به طور طبیعی نسبت به حضرت دارند در سطح عموم مردم بخصوص جوانان با یک نگاه عالمانه و آگاهانه همراه کنید، برکات این کار **لَا تُحَدُّ وَلَا تُحْصَى** یعنی غیر قابل شمارش خواهد شد.

آخر عرض بنده با یک دعا از آقا امیرالمومنین **اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ بَعَثَهُ خُرُوجًا مِنَ الْعُمَةِ، وَ اجْمَعْ بِهِ شَمْلَ الْأُمَّةِ** خدایا به وسیله ی ظهور او و بیعت با او، همه غم ها رو پایان ببخش و تمام پراکندگی ها رو تبدیل به وحدت کن...

در دو سه جمله جمع بندی کنم: آنچه گفته شد در این بود که چرا مباحث مهدویت که بهش پرداختیم یه محور دوازده گانه ای رو طبق این تابلویی که خدمت دوستان عرض شد گفتیم. از لزوم معرفت امام، شناخت وظیفه، آثار اعتقاد به مهدویت، مبارزه با تحریف ها و آسیب ها، مبارزه بادشمنی ها، تبیین معارف مهدوی، کارهای پژوهشی روی زمین مونده، نقطه وحدت ادیان، نقطه وحدت شیعه و سنی، بحث آینده پژوهی و چند تذکر؛ زبان هنرمندانه، محبت عاقلانه و آگاهانه، و یه مقدمه ای که در آغاز خدمتتون عرض کردم مبنی بر اینکه خیلیها نمیگم برای باطلشون اما برای علاقه مندیهای خودشون خیلی کار کردند بدون هیچ ادعا و یا چشم داشتی، فقط به عشق او بوده! دعا کنید که ما هم بتونیم برای آقا کاری انجام بدیم... سئوالی چیزی داشتید می تونید از طریق سایت mahdaviat.ir پیگیر جواب باشید.

"صلوات بر محمد و آل محمد"